



جبهه ملی

امید ملت

شماره ۸۷، سال هشتم - بهمن ماه ۱۳۹۰ برابر با ماه فوریه ۲۰۱۲

نشریه برونمرزی

ارگان هیئت اجرایی جبهه ملی خارج کشور

سرمقاله

مهندس مسعود هارون مهدوی

سکوت سنگین مردم در روز برگزاری انتخابات رأی منفی به کلیت نظام است

در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در سال ۸۸، دو جناح حاکمیت هر کدام به دلایلی سعی در کشاندن مردم به حوزه های رأی گیری داشتند.

ائتلاف «کارگزاران سازندگی و اصلاح طلبان» که از حمایت تبلیغاتی دولت های غربی برخوردار بودند، با بیان آنکه رأی مردم تعیین کننده است آن ها را تشویق به رأی دادن نمودند. سردمداران این دو جناح تصور می کردند که حضور گسترده مردم در انتخابات افزون بر آنکه باعث پیروزی نامزد مورد نظر آن ها می شود، می توانند وانمود کنند که مردم ایران نظام اسلامی را قبول دارند.

جناح وابسته به خامنه ای هم که شکست ناطق نوری از خاتمی برایشان تجربه شده بود و برنامه را بگونه ای طراحی کرده بودند که احمدی نژاد برنده انتخابات اعلام شود نیز از مردم می خواستند که حتماً در انتخابات شرکت کرده و به هر کس که مایل باشند رأی بدهند. آن ها هم افزون بر پیروز گرداندن نامزد خود می خواستند به دنیا نشان دهند که مردم ایران نظام اسلامی را قبول دارند، ادعایی که بارها علی خامنه ای به زبان آورد.

متأسفانه مردم بدون توجه به هشدارهای سازمان ها و شخصیت های سیاسی که انتخابات را تحریم کرده بودند و بقیه در ص ۴

گلادیاتورها

امپراطوران روم بخاطر خوی ناسالم شان می باید وسیله ای برای ارضاء خود فراهم می کردند. بهترین دواى درد آنان دیدن زجر و آزار دیگران بود که به آنان حالت مستی می داد. برای همین از عوامل خود خواسته بودند که از میان اسراء جنگی افرادی را که دارای بدن نیرومند و هیكل برازنده عضلانی باشند از اسراء دیگر جدا کرده و به محلی که اختصاص به نگهداری و پرورش گلادیاتورها داشت اعزام دارند، تا در آن محل تحت سرپرستی کسانی که به همین منظور تعلیم دیده بودند آموزش دیده و به پرورش آنان بپردازند تا پس از طی این دوره جهت اغناء کردن هوس های امپراتور و اطرافیانش از وجود آنان تا حد ختم شدن به مرگشان استفاده نمایند.

گلادیاتورها ضمن اینکه اسیر و یک زندانی محکوم به مرگ بودند ولی بخاطر پروار کردن شان از نظر خواب و خوراک نمی گذاشتند به این اسراء بد بگذرد و از این بابت کمبودی نداشتند. سرنوشت آنان بی شباهت به خروس هائی که برای جنگ با یکدیگر تربیت می شوند و روی آنان شرط بندی می کنند نبود. نحوه رفتار چوپانان با گوسفندان شان هم غیر از این نبوده است. لذا تا روزی که امپراتور و خانواده اش اراده می کردند گلادیاتورها می توانستند حق زندگی داشته باشند.

پذیرایی از گلادیاتورها تا روزی که آنان را وادار به جنگ تن به تن با یکدیگر می کردند که به قیمت جان اکثریتی از آنان ختم می شد ادامه داشت. به نمایش گذاشتن این نحوه جنایت که معمولاً در میدان های استادیوم های ورزشی با حضور هزاران تن تماشاچی صورت می گرفت تنها به خاطر فروکش کردن حس شهوت خونخواری امپراطوران روم بود که حتی در بعضی مواقع برای لذت بردن و جالب شدن بیشتر این نمایش ها از وجود حیوانات درنده همچون شیر و ببر هم برای مصاف دادن گلادیاتورها با آنان که به تکه پاره شدن گلادیاتورها می انجامید استفاده می کردند. البته برگزاری این بقیه در ص ۳

در این شماره می خوانید:

- گلادیاتورها مهندس مسعود هارون مهدوی
- سکوت سنگین مردم در روز برگزاری انتخابات ...
- هیئت اجرایی جبهه ملی خارج کشور
- نظام سیاسی - اداری کارآمد ... کاظم ایزدی
- برگزاری جشن سده در پاریس و کرمان
- ترور دانشمندان را محکوم کنیم
- هیئت اجرایی جبهه ملی خارج کشور
- خبرهای ورزشی
- کشور پیر من سروده ای از: ابوالقاسم لاهوتی

جبهه ملی نگاهبان برابری همه اقوام، ادیان و مذاهب ایران است

گلادیاتورها

نوع نمایش‌ها هزینه سنگینی به همراه داشت. این پول از مالیاتی که از مردم می‌گرفتند پرداخت می‌شد.

مطالبی که تا حال به آن اشاره شد یقیناً شما با آن آشنایی داشته‌اید چون بارها از طریق مطالعه و دیدن فیلم هائی که در ارتباط با گلادیاتورها تهیه شده پی به ماهیت و سرنوشت غم انگیز گلادیاتورها که قربانی هوا و هوس امپراطوران می‌شدند برده‌اید. اما با توجه به متن مطالبی که قصد نگارش آنرا داشته‌ام می‌بایستی قبلاً اشاره به نکاتی که در بالا آمد می‌کردم.

ساختار و سرنوشت خیلی از دست‌نشانده‌های دُول غربی بخصوص ایالات متحده آمریکا، در نیم قرن گذشته بی‌شبهت به سرنوشت گلادیاتورها نبوده است. البته بیشتر بخاطر منافع و ارضاء جاه طلبی‌های شان بوده، در اینجا برای اینکه سوء تفاهمی پیش نیاید باید یادآور شوم که به هیچ وجه منظور این نبوده که یک اسیر جنگی بی‌گناه را با کسانی که بخاطر جاه طلبی بیش از حد به یک دیکتاتور خطرناک تبدیل شده و از موقعیت شان سوءاستفاده کرده و علیه منافع ملت شان اقدام می‌کردند مقایسه شود. بنا بر این، از دولتمردانی که در اینجا به نام گلادیاتور یاد شده تنها از نظر بی‌اختیار بودن شان در مقابل سران سیاسی جهان امروز بوده است.

اجازه بفرمایید از کشور خودمان ایران شروع کنیم. زمانی که دولت انگلستان پی برد احمد شاه دیگر نمی‌تواند پاسخگوی خواست‌های شان باشد، به فکر تغییراتی در ایران افتاد. انگلیس‌ها از مدت‌ها پیش با زیر نظر داشتن رضاخان پی به اختلاف او با روس‌ها برده بودند. به همین خاطر هم به این نتیجه رسیدند که می‌توانند با حمایت رضاخان که افسری قاطع و پر جاذبه و در ضمن غیر اشرافی بود برای نیل به اهداف شان از وجود او بهره‌مند شوند.

البته بعدها متوجه شدند با تمام زرنگی شان چه اشتباهی کرده‌اند که دیگر خیلی دیر شده بود چون رضا شاه اگر هر عیبی داشت ولی نمی‌شد منکر این شد که به حفظ آب و خاک و سازندگی کشورش تعصب داشت.

انگلیس‌ها رضاشاه را دست‌کم گرفته بودند. به همین خاطر هم، در اولین فرصتی که دست داد به بهانه اینکه به جاسوسان آلمانی اجازه اقامت در ایران داده و ادار به ترک خاک وطنش کردند و تا آخرین لحظه حیاتش می‌بایستی بر خلاف میل اش در آفریقای جنوبی در تبعید بگذراند. چند روز پس از خروج رضا شاه از ایران، فرزندش محمد رضا را به سلطنت نشانند که سر دنیس رایت در کتابش آورده که انتخاب محمد رضا به این دلیل بود که مطمئن بودیم هر وقت اراده کنیم و بخواهیم می‌توانیم خلع اش کنیم. آیا این طرز فکر و برخورد از طرف دولت انگلیس جز یک رابطه امپراطوری با گلادیاتورش نبود که در سال ۱۳۵۷ عملاً دست به این کار زدند و با خروج شاه از ایران قدرت شان را در اعمال نفوذ و دخالت در اداره جامعه‌ای مثل ایران نشان دادند.

گلادیاتورها اسیر جنگی بودند و به همین دلیل هم بود که امپراطورهای روم به خودشان اجازه می‌دادند که هر کاری بخواهند در مورد آنان انجام دهند ولی زمامداران کشورهائی

مثل ایران اسرای سیاسی بودند. قصد دولت انگلیس هیچ وقت خدمت به مردم ایران نبوده بلکه با پرورش رؤسای این کشور می‌خواستند به مقاصد شوم شان برسند. محمد رضا شاه را تا آخرین لحظات عمرش به بازی گرفتند. البته در سال‌های آخر زمامداری اش می‌خواست استقلال داشته باشد که به او مهلت ندادند و گلادیاتور شان را قربانی مقاصد خود کردند. با مارکوس رئیس جمهور فیلیپین هم به همین نحو عمل نمودند.

بعد از روس‌ها، این آمریکائی‌ها بودند که صدام حسین را تقویت کردند.

بعد از اینکه سفیر آمریکا به صدام حسین گلادیاتور سرکش چراغ سبز نشان داد، صدام حسین که از مدت‌ها پیش منتظر این علامت بود به خودش اجازه داد که به کویت حمله کند. با اقدام به این کار که در واقع تجاوز به خاک همسایه هم کیشش بود، گور خودش را کند. آمریکائی‌ها هم از خدا می‌خواستند تا بتوانند به مقصودشان برسند. چون از مدت‌ها پیش طرح قربانی کردن شخص صدام حسین را به جریان انداخته بودند، در واقع قرعه به نام او اصابت کرد و به دارش آویختند. حتی آخرین تقاضایش که اعدامش به صورت تیرباران باشد، مورد قبول واقع نشد.

در پاکستان با ذوالفقار علی بوتو و در فیلیپین با فردیناند مارکوس به همین نحو عمل کردند. البته با رنگ و بوی دیگری. بعدها، نوبت بن لادن شد. پس از سال‌ها که روی بن لادن کار کردند توانستند در مقابل تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان از وجود نامبرده استفاده کنند که از مدت‌ها قبل همچون گلادیاتورها او را پرورش داده بودند. ناگهان مابین آنان اختلاف ایجاد شد. این دشمنی تا بحدی افزایش پیدا کرد که به جاهای باریک کشید. از جمله حملاتی که به برج‌های دو قلو که منجر به کشته شدن نزدیک به چهار هزار تن آدم بی‌گناه شد، به همین خاطر هم تصمیم به قربانی کردنش گرفتند. در موقع سلاخی او تعدادی از سردمداران حکومت آمریکا از جمله جناب اوباما رئیس جمهور و خانم کلینتون وزیر خارجه و فرماندهان قوای نظامی در یکی از سالن‌های کاخ سفید جلوی دستگاه تلویزیون شاهد قربانی کردن گلادیاتورشان بودند.

آیا می‌توانید تصور کنید در این لحظاتی که بن لادن را به قتل می‌رسانند این دولتمردان ناظر که خود کاشف و بانی پرورشش بودند، دارای چه احساسی می‌توانستند باشند؟

حال برویم سراغ گلادیاتورهای قاره آفریقا، از مبارک و بن علی گرفته تا قذافی. آیا این قدرتمندان جهان نبودند که این افراد را با پرورش بی‌قاعد خود به این درجه از دیکتاتوری رسانند که هیچ خدائی را بنده نبودند؟ آیا این صاحبان قدرت شرق و غرب نبودند که این افراد جاه طلب را به دیکتاتوری گشانند و حالا که قرار است سیاست دیگری در آن منطقه به اجرا گذاشته شود حال به هر منظوری می‌خواهد باشد، تصمیم به اضمحلال حکومت شان و سر به نیست کردن آنان گرفته‌اند. بن علی فرار را بر قرار ترجیح داد. مبارک را در حبس که در قفس قرار دارد به محاکمه می‌کشند که احتمالاً به اعدام وی ختم خواهد شد. قذافی را هم به سلاخی کشیدند.

از این طریق هم برتری خود را با رقبا نشان داده‌اند هم اینکه از رخ دادن این حوادث و پخش اخبار آن بقیه در ص ۴

کاظم ایزدی

جامعه‌شناس، استاد سابق دانشگاه تهران

نظام سیاسی - اداری کارآمد و متناسب با

دمکراسی در ایران

(بخش دوم)

نظام فدراتیو

در یک نگاه اجمالی به تاریخ و تحول نظام فدراتیو در دنیا ملاحظه می‌شود که معمولاً نظام فدراتیو از پیوند و اتحاد چند واحد حکومتی یا کشور مستقل خود مختار با هدف های مشخص و بر پایهٔ میثاق مشترکی شکل می‌گیرد. هر یک از این واحدهای مستقل برای متحد شدن با واحد یا واحدهای مستقل دیگر و برخورداری از مزایای این اتحاد بخشی از استقلال و ثروت و منابع مالی، قدرت و اختیارات خود را به یک دولت مرکزی (فدرال) واگذار می‌کند. نمایندگان منتخب این واحدها (ایالات) قانون اساسی ملی را تدوین و تصویب می‌نمایند. در این قانون شرایط، و ضوابط این اتحاد و صلاحیت ها، اختیارات، الزامات و محدودیت های هر یک تعیین می‌شود. از نمونه های بارز آن ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، یوگوسلاوی یا چکسلواکی را می‌توان نام برد. پس در این نظام کثرت ملت و دولت مطرح است.

در این تقسیم بندی (میثاق مشترک)، سیاست خارجی و روابط بین المللی، سیاست دفاعی، سیاست های اقتصادی، پولی و مالی، سیاست های کلان آموزش عالی، بهداشتی و درمانی و اموری نظیر شبکه راههای اصلی و فرودگاه ها و بنادر بزرگ و مانند آن را دولت مرکزی بعهده می‌گیرد. قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه خود را شکل می‌دهد و در محدوده مسئولیت های قانونی عمل می‌کند. ایالت ها نیز قوای سه گانه خود را دارند و در چارچوب همان میثاق مشترک قانونگذاری می‌کنند و به اجرا می‌گذارند. در واقع، به نوعی حکومت مستقل دارند (درجه ی استقلال آن را قانون اساسی ملی تعیین می‌کند). درحالی که در نظام غیر متمرکز دولت مرکزی بخش هایی از قدرت و اختیار خود را به ایالت ها تفویض می‌کند.

بنابراین یکی از تفاوت های بارز این نوع حکومت ها با نظام غیر متمرکز (بسیط با تفویض بخشی از خدمات و اختیار به کارگزاران محلی) در این است که در این نوع حکومت ها تقسیم قدرت و مسئولیت مطرح است نه تفویض بخشی از اختیار و صلاحیت ها و لذا قیومت اداری وجود ندارد. ایالت ها، علاوه بر حق قانون گذاری از خود مختاری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مالی نسبتاً زیادی برخوردارند و حتا می‌توانند برخی از قوانین مصوب مجلس ملی را اجرا نکنند (نوع و میزان آن را قانون اساسی ملی تعیین می‌کند). در حالی که در نظام غیر متمرکز محدودیت ها و قید و بندها بیشتر است و در بهترین شکل آن خود مدیری یا خود اتکائی به کارگزاران منتخب محلی تفویض می‌شود و دولت مرکزی حق کنترل و یا سرپرستی را خواهد داشت :

نکته دیگر که نباید نادیده انگاشت این است که فدراتیو نظام پویائی است و از انعطاف پذیری بالائی با شرایط حاکم برخوردار. همین عامل می‌تواند اعمال نفوذهای قدرت های محلی را، به ویژه در ایالت های کمتر رشد و توسعه یافته، مانند، برای نمونه، وزیرستان پاکستان یا سیستان و بلوچستان خودمان تقویت و تشدید کند. در حالی که این نفوذهای محلی در نظام غیر متمرکز که در آن حکومت مرکزی بر عملکردهای نهادهای منطقه ای و پیگیری اهداف

ملی نظارت و اعمال نفوذ بیشتری دارد کمتر امکان سوء استفاده دارند:

یکی دیگر از تفاوت ها به عوامل قومی و فرهنگی - زبانی بر می‌گردد، عواملی که در نظام فدراتیو امکان رشد و نمو و شکوفائی بیشتری دارند. این عامل در جوامع کمتر توسعه یافته می‌توانند تفکر خود مختاری و تجزیه را تقویت کنند و تمامیت ارضی و استقلال کشور را به خطر بیندازند، گرچه در نظام غیر متمرکز نیز مردم هر منطقه می‌توانند در آموزش زبان و فرهنگ خود در کنار زبان ملی بکوشند ولی به دلیل توزیع منابع و نظارت و کنترل بیشتر حکومت مرکزی بر عملکرد ایالت ها تفکر تجزیه کمتر امکان رشد و نمو دارد و کمتر می‌تواند یکپارچگی ملی را به خطر بیندازد. این خطر تجزیه را در ایران، که از اجماع چند کشور شکل نگرفته و اقوام ساکن در آن (کرد، لر، لک، بلوچ، فارس و آذری، خراسانی، خوزستانی، مازندرانی، گیلک و...) از نظر ژنتیکی و فرهنگی - سنتی شباهت های زیادی با یکدیگر دارند. در واقع، جزئی از یک امپراطوری بزرگ و ثروتمند بوده اند و در شکل گیری آن مشارکت داشته اند - پیش از دوران مدرن یک ملت شکل داده اند - و همان طور که در بالا ملاحظه کردیم، در طول تاریخ جا بجائی ها و اختلاط و امتزاج جمعیتی زیادی بین این اقوام ساکن در کل سرزمین صورت گرفته نمی‌توان و نباید نادیده گرفت و یا به آن کم بها داد، اختلاط و امتزاجی که به نوعی جامعه را تفکیک ناپذیر کرده است. رمز پایدار باقی ماندن کشوری به نام ایران - به رغم همه ی تهاجم هایی که در طول تاریخ مان شاهد بوده ایم - در این همبستگی و وابستگی سرزمینی به نام ایران می‌بایست جست. در حالی که در بحث دربارهٔ حکومت فدرال و گرده برداری نادرست و غیر علمی از این نوع حکومت که رایج شده است، اصولاً به موضوع بسیار مهم شکل گیری تاریخی کشورهای دارای نظام فدرال هیچ توجهی نمی‌شود یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر به تاریخ نمونه های برجسته این نوع کشورها مراجعه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که به دلایل عدیدة سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در زمان تشکیل این کشورها - و نه پس از تشکیل آن ها - است که انتخاب حکومت های فدرال را ایجاب می‌کرده است. برای جلوگیری از اطالة کلام تنها به یک نمونهٔ نمادین آن اشاره می‌کنیم. در سال ۱۲۲۵ میلادی (یعنی نزدیک به ۸۰۰ سال پیش)، نخستین اتحاد سوئیس از اتحاد سه کانتون کوچک که پایهٔ کنفدراسیون فعلی است - برای دفاع در برابر هابسبورگ های آلمانی و برای دستیابی به صلح میان خود به وجود آمد:

تفاوت دیگر به در آمد و ثروت و منابع ملی و توزیع آن فی مابین ایالت ها و ایجاد تعادل و توازن و توسعه پایدار در کل سر زمین بر می‌گردد. از این نظر نظام فدراتیو، که در آن کثرت دولت ها و تقسیم قدرت و اختیار مطرح است با محدودیت ها و قید و بندهای قانونی بیشتری مواجه است تا غیر متمرکز که در آن دولت مرکزی با امکانات و اختیارات وسیعتری که دارد بهتر می‌تواند توزیع منابع (مالی و نیروی انسانی کارآمد) را در جهت فقر و محرومیت زدائی و ایجاد تعادل و توازن و عدالت اجتماعی در کل سرزمین هدایت نماید و بستر لازم برای رشد و توسعه پایدار کلیه ی مناطق کشور را آماده کند؛ در برنامه ریزی و اجرای پروژه ها با مشکلات کمتری مواجه است، عاملی که در نظام فدراتیو می‌تواند ایالت های ثروتمند را به فکر و وسوسهٔ استقلال و تجزیه بیندازد یا این خطر را تقویت و تشدید کند. برای نمونه، کارگزاران و مردم خوزستان مرزنشین و زرخیز یا بقیه در ص ۵

۷ بهمن ماه ۱۳۹۰، آلمان - مونیخ

Harun-Mahdavi@t-online.de

آتش جشن سده، آتش مهر وطن است
کاندرین ملک نخواهد که شب تار بود
در چنین جشن طرب، آری خورشید دگر
گر بتابد زد دل خاک، سزاوار بود

برگزاری جشن سده در پاریس

به مناسبت فرا رسیدن «سده» دوازدهم بهمن ماه، طبق سنت همه ساله جشن باشکوهی توسط انجمن زرتشتیان پاریس برگزار شد که شمار زیادی از هموطنان مقیم پاریس و حومه در آن حضور داشتند.

در این آئین نخست موبد نیک نام پیرامون اهمیت جشن سده، تاریخ پیدایش و برگزاری آن سخنان جالبی ایراد نموده و یاد آور شد که نیاکان ما روز صدم از فصل زمستان را که از اول آبان آغاز می شود، سده نامیده و آنرا جشن می گرفتند. از آن هنگام تا کنون این روز از سوی هموطنان مان در درون و برون کشور و نیز سرزمین های واقع در حوزه فرهنگی ایران جشن گرفته می شود.

در ادامه برنامه قطعاتی از موسیقی ایرانی توسط فریدون نیک نام با تار نواخته شد و سپس حمید دانشور و ابراهیم دینا برنامه جالب نقالی و شاهنامه خوانی اجرا نمودند که مورد استقبال شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت.

برگزاری جشن سده در کرمان

جشن سده توسط زرتشتیان در کرمان برگزار شد. جشن سده از بزرگترین جشن های ایرانیان و جشن آتش است که همه ساله در شامگاه روز دهم بهمن ماه برگزار می شود. این جشن همه ساله از سوی ایرانیان درون و برون کشور به ویژه زرتشتیان برگزار می شود. واژه سده از ریشه «ست» زبان پهلوی آمده است و به مفهوم شماره «صد» می باشد.

ایرانیان باستان سال را به دو فصل تابستان و زمستان بخش می کردند. از آغاز فروردین تا پایان مهرماه هر سال را تابستان و از اول آبان تا پایان اسفند ماه را زمستان می نامیدند. هنگامی که صدر روز از زمستان، یعنی آغاز ماه آبان می گذشت، و روز دهم بهمن فرا می رسید، آن را سده می نامیده و جشن می گرفتند.

ایرانیان بر این باور بودند که سرمای زمستان پس «صد» روز آرام آرام کاهش می یابد. آن ها با برافروختن آتش به امید افزایش روشنایی که آنرا جلوه های اهورایی می دانستند به شادمانی می پرداختند.

سکوت سنگین مردم ...
تحت تأثیر تبلیغات گسترده ائتلاف «کارگزاران و اصلاح طلبان» و باور به اینکه رأی آن ها به حساب خواهد آمد، در انتخابات شرکت کردند.

پس از اعلام نتیجه رأی گیری بود که مردم متوجه این حقیقت دردناک شدند که از حضور آن ها در انتخابات سوء استفاده شده است. از این رو، با شعار «رأی من کجاست؟» به ویژه نسبت به کسانی که اطمینان داده بودند که رأی شان به حساب خواهد آمد اعتراض نمودند.

چنانچه گفته شهردار تهران را بپذیریم که سه میلیون تن به خیابان آمده بودند، این جمعیت میلیونی اگر درست هدایت می شد به امکان زیاد می توانست به عمر نظام پایان دهد. از آنجا که جناح شکست خورد و نیز اربابان بیگانه آن ها به هیچ رو خواهان آن نبودند، نامزد بازنده انتخابات با کشاندن مردم به میدان آزادی و دعوت آن ها به آرامش و با شعار اجراء قانون اساسی جمهوری اسلامی و بازگشت به دوران طلایی امام توانست قدرت کوبنده آنان را مهار نماید.

و از پی آمدهای دردناک و ضد بشری که پس از آن اتفاق افتاد همگان آگاه هستیم و نیاز به بازگو کردن نیست.

اکنون دیگر چه جناح های حاکمیت بخواهند، در انتخابات شرکت کنند یا نکنند، مردم و ایرانیان آزادیخواه در انتخابات فرمایشی که سردمداران نظام برای سوء استفاده از حضور آنان برای نشان دادن حقانیت و مردمی بودن استبداد مذهبی برگزار می کنند، شرکت نخواهند کرد.

خشم سهمگین و سکوت سنگین مردم در روز برگزاری انتخابات مجلس اسلامی پاسخ «نه» به کلیت نظام است.

هیأت اجرایی جبهه ملی خارج کشور

اسفند ماه ۱۳۹۰

نشریه: حضور کم رنگ واجدین شرایط در انتخابات با وجود تبلیغات و تهدیدهای سردمداران رژیم، بیانگر این خشم سنگین و سکوت سنگین مردم بود.

گلادیاتورها

بقیه از ص ۳
مدت ها وسائلی فراهم کرده اند که خودشان و هم دیگر ملت ها را سرگرم و امیدوار نگه دارند. نقش و حیات این گلادیاتورها به آخر رسیده بود. ضمناً از جاذبه سیاسی لازم که بتوانند ملت های شان را همچنان مشغول کنند دیگر برخوردار نبودند. قیافه و برخورد این گلادیاتورها خسته کننده شده بود و دیگر قابل استفاده نبودند. بنابراین، باید گلادیاتورهایی با قیافه دیگری روی صحنه بیاورند تا اهداف شان را از جمله منافعی که تاکنون از این طریق نصیب شان شده همچنان ادامه داشته باشد.

اگر خواسته باشیم بدانیم چه تاریخی نوبت به گلادیاتورهای سوریه و ایران می رسد باید کمی تحمل کرد. آنطور که منجمین می گویند تا ماه خرداد ماه ۱۳۹۱ که مصادف می شود با ژوئن در این کشورها این تحولات صورت خواهد گرفت و گلادیاتورهایی که تاکنون پرورش داده شده اند موفق خواهند شد قبلی ها را از صحنه خارج کنند.

در آنوقت است که پرورش دهندگان گلادیاتورها احتمالاً برای مدت زمانی به مسائل دیگری خواهند پرداخت.*

حاکمیت مستقل بر پایه یک حکومت مردم سالار که توأم با عدالت و

پیشرفت باشد، هدف جبهه ملی است

نظام سیاسی - اداری کارآمد و متناسب با ...

بقیه از ص ۲
خراسان ثروتمند می توانند وسوسه شوند که چرا ثروت و منابع طبیعی شان را با مثلاً سیستانی و بلوچستانی یا کردی و آذری و... تقسیم کنند و در مقابل چه چیزی عایدشان می شود.

برای روشن شدن مطلب، فرض کنیم نیت و قصد سیاسی و برنامه ی استقرار نظام فدراتیو در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد. اکنون این سؤال مطرح می شود: آیا در این استان بستر مناسب و ابزار لازم فراهم است و کارگزاران منتخب مردم محلی توانائی مالی و انسانی لازم را دارند و قادرند خود مسئولیت اداره ی امور را بعهده بگیرند و فقر و محرومیت ها ی شدید موجود را جبران و عدالت اجتماعی را برقرار و در رشد و توسعه متوازن و پایدار منطقه ی خود، همساز با مثلاً خراسان و یا خوزستان و کل کشور مشارکت فعال داشته باشند یا بهتر است نظام بسیط با تفویض بخشی از خدمات، قدرت و اختیار به کارگزاران محلی (غیر متمرکز) استقرار یابد و سپردن کار مردم این استان وسیع و دارای ویژگی های خاص به کارگزاران منتخب خودشان و سازماندهی افقی به تدریج و با آماده شدن بستر و ابزار لازم صورت بگیرد؛ ابتدا، نیروی انسانی لازم تربیت شده و دیگر پیش نیازهای توسعه ی اقتصادی و رشد اجتماعی فراهم شود و به تدریج وبا آماده شدن بستر و ابزار لازم مسئولیت های بیشتری به مقامات انتخابی محلی تفویض شود تا به خود مدبری برسد؟

همان طور که دیدیم، استانی است مرزی (با پاکستان و افغانستان)، حساس، بیابانی و کم آب و شدیداً عقب مانده. از نظر سطح سواد و تحصیلات و رشد فکری در رده ضعیف دسته بندی می شود: بر طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن کمتر از ۷ درصد از جمعیت ۶ ساله و بیشتر باسواد از تحصیلات عالی برخوردارند (این نسبت برای استان تهران ۱۷، استان اصفهان ۱۴، آذربایجان شرقی ۱۲، خراسان رضوی یا استان کرمان به ترتیب ۱۱ و ۱۲ محاسبه می شود) و نزدیک به ۴۰ درصد از ۶۸ درصدی که در آخرین سرشماری خود را باسواد اعلام کردند در سطح ابتدائی سواد دارند و خواندن و نوشتن و فهمیدن یک جمله ی ساده را می دانند.

این وسیعترین استان کشور که از پایتخت و حتا استانهای مجاور خود (کرمان و خراسان رضوی و خراسان جنوبی) فاصله ی زیادی دارد یکی از عمده ترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر به درون کشور و برخی کشورهای دیگر است؛ شهر نشینی در آن رشد بسیار گندی داشته و بر طبق آخرین سرشماری حدود ۵۰ درصد ساکنان این استان وسیع در روستا زندگی می کنند؛ از نظر خدمات رسانی به مردم (بهداشتی - درمانی، آموزشی، رفاهی و غیره) و تولید صنعت و کشاورزی در سطح نازلی یا بسیار نازلی درجه بندی می شود. در نتیجه استانی است خدماتی با توان تدارکاتی بسیار ضعیف و نرخ بیکاری آشکار (نه پنهان) آن به طور محسوس بالاتر از میانگین ملی است. در سال ۱۳۸۵، در کل استان، فقط ۲۵ عنوان کتاب انتشار یافت و دو سینما به ساکنان این منطقه ی وسیع (۱۸۱۷۸۵ کیلو متر مربع وسعت دارد) سرویس می دهند. در استانی با این مشخصه ها و با ویژگی های فرهنگی خاص خود چگونه کارگزاران انتخابی محلی (با فرض انتخابات آزاد و به دور از اعمال نفوذ ها و رأی خریدن ها) قادرند در دام نفوذهای محلی و خودکامگی ها نیفتند یا آن را مهار کنند؛ دست تجاوز عوامل خارجی را قطع و امکان تجزیه را به صفر نزدیک کنند، صنعت و یا کشاورزی را توسعه دهند، اقتصاد را رونق بخشند، آموزش عالی را به

سطح متناسب با نیازها توسعه دهند و خدمات بهداشتی - درمانی مردم را به حد معقول و مطلوب و همتراز با استان های دیگر کشور برسانند؛ نابرابری اجتماعی و فقر و محرومیت ها را کاهش دهند و جامعه را به خط تعادل پایدار در سطح ملی برسانند و مردم سالاری را مستقر کنند؟

در اینجاست که ضرورت بستر سازی و آموزش کادر و مهیا کردن ابزار لازم برای خوداتکائی و خود مدیری معنا دار می شود. سپردن کار مردم، مثلاً این استان به خودشان بدون پیش نیاز ها می تواند ضایعات جبران ناپذیری داشته باشد، توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت موجود مردم را تشدید کند و به یک وزیرستان (ایالتی در شمال شرقی پاکستان، ایالتی محل استقرار طالبان) دیگری تبدیل شود. توسعه ی اقتصادی و رشد اجتماعی متوازن منطقه و روند توسعه و پیشرفت پایدار کل کشور را به مخاطره اندازد و خطر تجزیه را تشدید کند.

بنا بر آن چه گفته شد به نظر می رسد، در شرایط ایران امروز با ساختار فضائی، تفاوت های جغرافیائی و اقلیمی و قومی و با در نظر گرفتن سمت و سوی ثروت و منابع ملی این مُلک مُشاع، که کلیه ساکنان آن، بدون توجه به جنسیت، زبان یا گویش و یا قومیتی که دارند در دارائی های عمومی، منابع عظیم زیر زمینی و بطور کلی آب و خاک آن حق حاکمیت مشترک دارند و در نظر گرفتن توزیع نا عادلانه و غیر منطقی ثروت و منابع (مالی و انسانی) در کل سرزمین و در نتیجه واپس ماندگی برخی مناطق مانند سیستان و بلوچستان، کرمان، ایلام، چهار محال و بختیاری، کردستان و لرستان و... نظام بسیط با تفویض بخشی از خدمات، قدرت و اختیار به کارگزاران محلی (نظام غیر متمرکز) کارا و مناسبترین روش است. در حالی که نظام شبه فدراتیو یا فدراتیو کامل می تواند نابرابری و عدالت اجتماعی و واپس ماندگی را تشدید، قدرت نفوذ های محلی را، بویژه در جوامع واپس مانده یا کمتر توسعه یافته و فقیر تقویت کند و تمامیت ارضی را به مخاطره اندازد.

در واقع هر طرحی که در آینده در پیش گرفته شود تا بر مجموعه این نابسامانی های واقعی و تاریخی ما فائق آید، همدلی مجموعه مردم ساکن در این سرزمین پهناور و مشارکت صمیمانه و صادقانه آنان رami طلبد. با توجه به تاریخ نه چندان دور ما که در ذهنیت جامعه ما ایرانیان نقش بسته و حضور جاندار دارد، با توجه به واقعیت های تاریخی و چشم داشتی که قدرت های گوناگون به خاک این سرزمین مشاع داشته اند که آخرین آن برنامه های اتحاد جماهیر شوروی سابق در دوره استالین بود برای جدائی آذربایجان از ایران و الحاق آن به شوروی، و تبلیغاتی که امروز جریان های شناخته شده ای در سطح جهان پیش گرفته اند، تا بدان جا که گفته اند « ایران بیش از اندازه بزرگ است»، موضوع حکومت فدرال - افزون بر آن چه در کاستی های آن گفتیم - قادر به جلب همدلی و همراهی مردم ایران نیست. حق کشی ها و ظلم های دیروز و امروز واقعیت هایی هستند و انکار ناپذیر، اما چاره آن برداشتن گام های سنجدیده و عقلائی است. به گمان ما، نظام پارلمانی غیر متمرکز، که در ذیل چند مزیت و برتری آن را بر می شمارم، هم می تواند به خواست های به حق تاریخی مردم ایران پاسخ دهد و هم آسیب ها و خطرات نظام فدرال را ندارد.

چند مزیت عمده استقرار نظام پارلمانی غیر متمرکز در ایران:

۱- مدیریت خریدمندانة کل سرزمین با ایجاد قطب های

بقیه در ص ۶

ترور دانشمندان را محکوم کنیم

جنگ میان قدرت های غربی و اسرائیل از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر وضع نگران کننده ای یافته است، بطوریکه بسیاری از هموطنان و حتی سیاستمداران واقع بین جهان از پی آمدهای آن وحشت دارند.

انفجارهایی که طی چند ماه گذشته در مراکز نظامی سپاه پاسداران در تهران و اصفهان روی داد، همچنین ترور چند دانشمند اتمی ایران نشانه های آشکاری از آغاز این جنگ پنهانی است.

بیگانگانی که به نظر می رسد نه با نظام اسلامی بلکه با پیشرفت فن آوری در ایران مخالف هستند و میهن قدرتمند ما را در منطقه سد راه بلند پروازی های خود می دانند، دانشمندان، یعنی سرمایه های علمی ما را آماج دشمنی و کینه تیزی های خود قرار داده اند و با سردمداران اسلامی که حساب شان از ملت ایران جداست کاری ندارند.

گرچه بی تردید روش نابخردانه حکومتگران اسلامی در ایجاد سوءظن بین قدرت های غربی و ایجاد دشمنی آنان با ملت ایران بی تأثیر نبوده است ولی آن ها باید بدانند که با اتخاذ این سیاست ناجوانمردانه در واقع خود را نه با رهبری جمهوری اسلامی که با ملت صلح دوست ایران رو در رو قرار داده اند. البته آن کسانی هم که در ایران آگاه یا ناآگاه به این برنامه های ضد ایرانی یاری می رسانند باید بدانند که با این کارشان، ننگ و بدنامی ابدی برای خود خریده اند.

جبهه ملی به عنوان نماینده تفکر و اندیشه ملی و کانون تمرکز احزاب، سازمان ها و شخصیت های سیاسی ملی گرا که در قطعنامه گردهمایی ۲۵ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ جمهوری اسلامی را به دلیل جنایت هایی که مرتکب شده و همچنین موضع ضد ایرانی بدخواهانه ای که اتخاذ کرده است، فاقد حقانیت ملی و پایگاه مردمی، اعلام کرد و با این نظام به گونه ای آشتی ناپذیر مبارزه می کند، ترور دانشمندان میهن مان را از جانب هر مقام و کشوری که باشد محکوم کرده و اعلام می دارد که حافظه تاریخ ایرانیان این اعمال ناجوانمردانه و ضد ایرانی را هرگز فراموش نخواهد کرد.

ما ضمن محکوم کردن روش سردمداران جمهوری اسلامی و دستگاه های امنیتی شان که ناتوان از حفظ جان دانشمندان کشورمان هستند و تنها در برابر آزادیخواهان و آزاداندیشان بی سلاح احساس قدرت می کنند، از همه سازمان ها و نهادهای بشردوست جهانی و دولتمردان کشورهای دمکرات انتظار داریم ترور دانشمندان ایران را که نه تنها سرمایه های ملی ما هستند بلکه به جامعه جهانی نیز تعلق دارند، قویاً محکوم نمایند.

هیأت اجرایی جبهه ملی خارج از کشور

نظام سیاسی - اداری کارآمد و متناسب با ...

بقیه از ص ۵
صنعتی یا کشاورزی، ضمن حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی کشور، رشد و توسعه خدمات، به ویژه آموزشی، بهداشتی و درمانی با اولویت دادن به مناطق واپس مانده و یا محروم و فقیر و مالا تمرکززدائی و توسعه ی پایدار و متوازن کل سرزمین؛

۲- نجات کشاورزی از این سرگردانی و بهره برداری بهینه از آن از راه یکپارچه کردن اراضی زراعی (فعلاً خرده مالکی ست)، مدرنیزه و مکانیزه کردن کشت و زرع و بهره برداری درست از منابع آب و خاک کشور و جلوگیری کردن از تخریب جنگلها و مراتع و زیست بوم های دیگر و ساخت و ساز غیر مجاز در اراضی قابل کشت و زرع؛

۳- صرفه جوئی در هزینه ها و استفاده ی بهینه از ثروت و دیگر منابع درآمدی ملی و به کارگیری آن در توسعه همه جانبه و پایدار کل سرزمین. همان طور که مشاهده کردیم، در این روش هر یک از مناطق قوای قضائیه، مقننه و اجرائیه جداگانه ای ندارند و لذا هزینه های آن صرفه جوئی می شود؛ از دیگر منابع صرفه جوئی می توان از جلوگیری از هدر دادن منابع ملی و نیروی انسانی، استفاده ی ناکارآمد از نیروی انسانی در اختیار، جلوگیری از دوباره کاری ها یا ندانم کاری ها، اجرای پروژه های بدون پشتوانه ی علمی و عقلانی و یا غیر ضرور، حذف یا کاهش اعمال نفوذ های قدرتهای محلی و نظایر آن نام برد؛

۴- در این روش یکپارچگی و تمامیت ارضی کل سرزمین بهتر حفظ می شود. چرا که مجلس ملی و حکومت مرکزی، علاوه بر توزیع متناسب و عادلانه منابع و ایجاد و گسترش قطب های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و مشارکت دادن هر چه بیش تر مردم محلی در امور خود (خودمدیری) و ایجاد همگرایی فرهنگی بر عملکردهای مناطق نیز کنترل و نظارت بیشتری دارند تا در نظام فدراتیو؛

۵- دولت مرکزی با تصویب مجلس ملی، که از نمایندگان منتخب شهرهای کشور (برپایه ی ضوابطی - مثلاً تعداد جمعیت ساکن) شکل می گیرد می تواند نظام شهری را پویا یا پویاتر کند. با شناخت استخوان بندی شهرهای عمده کشور، حوزه ی نفوذ هریک و سلسله مراتب نظام شهری و سطح بندی خدمات عمده شهرها (مثلاً شهرهای بیش از صد هزار

نفر جمعیت) برپایه ی مثلاً مقیاس گوتمان (ر.ک: ۳) به شناخت و رشد و توسعه شهرهای محروم، فقیر و یا کمتر توسعه یافته یا واپس مانده اولویت دهد و به تدریج بخشی از خدمات، قدرت تصمیم گیری و اختیار را به کارگزاران منتخب محلی تفویض نموده و آن ها را به سطح خودمدیری ارتقاء دهد.

از سوی دیگر، به شهرهایی که از سطح خدمات رسانی و رشد و توسعه معینی (شاخص تعیین می کند) برخوردارند و قادرند مدیریت منطقه ی خود یا فرامنطقه ای را به عهده بگیرند (بستر لازم مهبیاست) خودمدیری تفویض نماید.

دولت مرکزی و مجلس ملی به وظائف اصلی خود، که توزیع ثروت ملی و سیاست بولی و مالی، حق قانون گذاری، برنامه ریزی های کلان اقتصادی و اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، ترابری و امور عمرانی و مانند آن در سطح ملی و همچنین سیاست و روابط بین المللی، سیاست دفاعی و مانند آن و در یک کلام اموری که به منافع ملی وابسته اند و آنهایی که در توسعه ی پایدار و متوازن سرزمین به سرمایه گذاری کلان نیاز دارند و نهادهای محلی قادر به انجام و حل

بقیه در ص ۷

فرهنگ درخشان ایرانی، دستاورد تلاش همه ایرانیان
و جزئی از هویت آن ها است

خبرهای ورزشی

ز نیرو بود مرد را راستی

ز سستی کزی زاید و کاستی

فردوسی

تیم ملی کشتی آزاد ایران

قهرمانی آسیا را از آن خود کرد

در رقابت های قهرمانی بیست و پنجمین دوره کشتی آزاد آسیا که در شهر گومی، کره جنوبی برگزار شد، پهلوانان کشتی آزاد ایران با به دست آوردن ۵ نشان طلا، یک نقره و یک برنز با کسب ۶۷ امتیاز به مقام نخست رسیدند.

پس از ایران، تیم های کشتی ژاپن با ۴۹ امتیاز و چین با

۴۶ امتیاز به ترتیب دوم و سوم شدند.

پهلوانان پیروز کشتی آزاد ایران

در ۵۵ کیلوگرم	حسن رحیمی نشان طلا
در ۶۰ کیلوگرم	مسعود اسماعیل پور نشان نقره
در ۶۶ کیلوگرم	مهدی تقوی نشان طلا
در ۷۴ کیلوگرم	صادر گودرزی نشان طلا
در ۸۴ کیلوگرم	احسان لشگری نشان طلا
در ۹۶ کیلوگرم	عرفان امیری نشان برنز
در ۱۲۰ کیلوگرم	پرویز هادی نشان طلا

می باشند

کشتی فرنگی ایران قهرمان آسیا

در مسابقه های کشتی قهرمانی آسیا که در شهر گومی کره جنوبی برگزار شد، پهلوانان فرنگی کار ایران با به دست آوردن ۳ نشان طلا، یک نقره و یک برنز با کسب ۵۴ امتیاز قهرمان آسیا شدند. تیم های کشتی چین با ۵۱ امتیاز و کره جنوبی با ۴۷ امتیاز و قزاقستان با ۴۵ امتیاز به ترتیب دوم تا چهارم شدند. در این دوره رقابت ها

در وزن ۶۶ کیلوگرم	افشین بیابانگرد نشان نقره
در وزن ۷۴ کیلوگرم	هادی عزیزاده نشان طلا
در وزن ۸۴ کیلوگرم	حبیب الله اخلاقی نشان طلا
در وزن ۹۶ کیلوگرم	داود گیل نیرنگ نشان طلا
در وزن ۱۲۰ کیلوگرم	محمد قربانی نشان برنز

بدست آوردند.

نظام سیاسی - اداری کار آمد و متناسب با ... بقیه از ص ۶ و فصل آن نمی باشند پیردازند و در امور راهبردی مناطق نقش ارشادی ایفا نمایند:

۶- یکی دیگر از تفاوت ها به فقر و محرومیت زدائی و برقراری عدالت اجتماعی در کل سرزمین بر می گردد. تمرکززدائی و متعادل کردن تراکم و تجمع جمعیتی و استفاده بهینه از نظام شهری می تواند در برقراری عدالت اجتماعی و توسعه ی اقتصادی واجتماعی وساختار فضائی همه جانبه وپایدار کل سرزمین مؤثر افتد:

۷- نکته ی بسیار مهم دیگر به ساختار و تقسیمات کشوری در وضع موجود بر می گردد.

مطالعه و بررسی های ما مؤید آن است که ساختار موجود و حدود سیاسی- اداری و تقسیمات کشوری در این سرزمین پهناور به گونه ایست که تغییر آن غالباً با مشکلات عدیده ای همراه است، اگر ناممکن نباشد. چرا که در یک جامعه دمکراتیک و مردمی دولت مرکزی حق ندارد و مجلس ملی نباید و نمی تواند اجازه دهد که تغییر و یا جابجائی جمعیتی ناخواسته و به زور سرنیزه صورت بگیرد. چگونه می توان کردها ی مثلاً کرمانشاه، آذربایجان غربی، همدان را متقاعد کرد که یک ایالت را شکل بدهند و به مرکزیت، مثلاً سنندج گردن نهند. یا چگونه می توان مردم کردستان و بخشی از آذربایجان غربی یا دیگر کردها، برای نمونه گردهائی که مثلاً در بجنورد یا شیروان (در شمال شرقی خراسان) سالها ساکن بوده اند را علاقمند یا وادار کرد به مرکزیت مثلاً کرمانشاه گردن نهند. در یک جامعه ی دمکراتیک یا حتا دیکتاتوری مگر ممکن است آذری، کرد، لر، لک و بلوچ، عرب و غیره که مدت ها پیش به تهران، مشهد یا گیلان و یا بندرعباس و دیگر نقاط این سرزمین پهناور مهاجرت کرده و در آن سکن گزیده و علاقتی دست و پا کرده اند را علاقمند کرد یا اجباراً و با استفاده از نیروی نظامی و سرنیزه به مبداء و محل تولدشان برگرداند. (برای اطلاع بیشتر به نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵- جدول برآورد مهاجرت وارد شده طی ۱۰ سال گذشته رجوع شود).

چنین کاری را اگر رژیم های دیکتاتوری در ایران می خواستند هم قادر به انجام آن نمی شدند. شواهد نشان می

دهد که تغییر وضع موجود کشور از نظر تقسیم بندی

سیاسی- اداری کار ساده ای نیست و نباید آرمانی فکر کرد.

مسئله اگر عملی باشد، که بنظر نمی رسد، با مشکلات

عدیده ای همراه خواهد بود. برای روشن شدن مطلب، فقط

به یکی دو شاهد و مثال عینی و ساده بسنده می کنم. در

سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) پروژه ی توسعه اقتصادی و اجتماعی

استان همدان به شرکت مهندسیین مشاور تهران پژوهش

واگذار شد و من مدیریت آنرا به عهده داشتم (رک به منبع. نتایج مطالعات و پژوهش های میدانی گروه مطالعاتی . تهران

۱۳۷۸) گروه مطالعاتی از جمله تغییر جزئی در یک ناحیه

(ایجاد یک بخش از تجمع ۱۵ روستا) را پیشنهاد و توصیه

کرد. مقامات مسئول استان و وزارت کشور با در نظر گرفتن

ضوابط موجود تصویب کردند که روستائی بنام «پری» که در

شاخص تعیین شده نمره ی بالاتری آورد وبا ضوابط وزارت

کشور همخوانی داشت به مرکز بخش ارتقاء یابد. ساکنان

یک روستای دیگر از این مجموعه، بنام «نگنه» به دلیل

فرهنگی و برای کسب این امتیاز آن چنان به مقامات

مسئول فشار آورده و اعمال نفوذ کرده اند که مقامات

مسئول وادار شدند آن روستا را هم به مرکز بخش تبدیل و

در نتیجه این ۱۵ روستا را بین این دو تقسیم کنند. نمونه

دیگر شهر قزوین است که در تقسیمات کشوری جزئی از

بقیه در ص ۸

ابوالقاسم لاهوتی

کشور پیر من

بشنو آواز مرا از دور، ای جانان من
ای گرامی تر ز چشمان، خوب تراز جان من
اولین الهام بخش و آخرین پیمان من
کشور پیر من، اما پیر عالی شان من
طبع من، تاریخ من، ایمان من، ایران من

من جدا افتاده از پیش تو، فرزند توام
لیک روحاً پای بند مهر و پیوند توام
دائماً گویا که در آغوش دلبد توام
مخلص تو، عاشق تو، آرزومند توام

آرزومندم که تا بد اختر فرخنده ات،
در عمل آید درباره روح دایم زنده ات،
بهبتر از گذشته باشد حالت و آینده ات
نور باشاند به دنیا دانش رخشنده ات

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی و
جهانگیر لقائی هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار
می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

نظام سیاسی - اداری کارآمد و مناسب با ... بقیه از ص ۷
استان زنجان بوده ولی شهر زنجان را به مرکزیت
نمی پذیرفت، همواره نگاه به تهران داشته و خدماتش را از
بایتخت می گرفت. پس از استقرار جمهوری اسلامی و اعمال
نقوذ ها به استان جداگانه ای تبدیل و از مزایای استان
برخوردار گردید. از این نمونه ها زیاد است. می توان قم،
گرگان، اردبیل و... را مثال آورد. ولی برای نشان دادن اهمیت
مطلب به همین شواهد بسنده می کنم.

به نظر می رسد، یکی از دلایل عمده ای که در مطالعات و
بررسی های طرح کالبدی ملی و ساختار فضائی کل سرزمین
در سطح کلان و همچنین در تلفیق یافته های مجموعه ی
مطالعات و بررسی ها و سنتزگیری از آن اصول تقسیمات
کشوری (استان، شهرستان، بخش) حفظ شده و ده قطب
توسعه یا مرکز فرامتطقه ای پیشنهاد شد همین دشواری ها،
ویژگی ها و مختصات جغرافیائی، اقلیمی و همگرایی فرهنگی
بوده است:

۸- تفاوت دیگر به همگرایی فرهنگی و هویت ملی بر می
گردد. در نظام غیر متمرکز همگرایی فرهنگی تقویت می
شود و هویت ملی و زبان ملی در چارچوب هویت قومی -
مذهبی تعریف نمی شود، ضمن آنکه حق تحصیل به زبانهای
محلی در کنار زبان ملی می تواند مجاز باشد؛

۹- و بالاخره با این روش، دمکراسی پارلمانی و حکومت
مردمی در کل کشور استقرار می یابد، نه در برخی مناطق.
آزادیهای مشروع و انسانی، مانند آزادی اندیشه و بیان، قلم،
مذهب و سایر حقوق خصوصی و جمعی را قانون اساسی ملی
تضمین می کند. خرد و درایت و اقتدار جمعی و تبدیل روابط
عمودی حاکم بر جامعه به روابط افقی، حتا در خانواده های
سنتی، که جرقه های آن هم اکنون به روشنی مشاهده می
شود و تضمین کننده دمکراسی اند محل رشد و نمو بهتری
پیدا می نمایند.

۱۰- و بالاخره با فرهنگ سازی هنجارهای اجتماعی و ارزش
های بازدارنده ی رشد و توسعه جامعه مانند، روابط افراد با
یکدیگر که اصل را بر بی اعتمادی می گذارد و ذات انسان را
شور می داند، مرد را برتر از زن می داند، متکی به غیر است
و یا به گذشته و زمان حال نگاه می کند و کمتر آینده نگر
است، اعتقاد به قضا و قدر، تقدیر و سرنوشت دارد و... به
هنجارها و ارزشهای مثبت تبدیل شده و در خدمت کرامت
انسانی، از میان برداشتن تبعیض جنسیتی و رشد و توسعه
پایدار کل سرزمین قرار می گیرد.

*- برای مطالعه بیشتر و ملاحظه منابع و مآخذ به بلوگ
شخصی نویسنده رجوع کنید.

kizadi.over-blog.com

همبستگی و پایداری تاریخی اقوام ایرانی در لوای حاکمیت مردمی،

هدف جبهه ملی است